

روایت

فقریسازی کارگران نتیجه اقتصاد غیرمولد و دلالی سعیدقلیچی

خبرنگار

سال‌هاست که کارشناسان حوزه اشتغال و فعالان کارگری درباره روند نزولی مشارکت نیروی کار ایرانی هشدار می‌دهند. یکی از مشکلات امروز کشور مهاجرت نیروی کار از یک طرف و پیرشدن جمعیت کشور است که هر دو مسئله آینده تولید و اقتصاد کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به اعتقاد کارشناسان، درحال حاضر تعداد نیروی انسانی و جمعیت فعال در یک جامعه، از ترکیب و ساختار سنی هر جمعیت تأثیر می‌گیرد. بارها گفته شده که ایران در موقعیت «پنجره جمعیتی» قرار دارد و با رشد جمعیت باید از این موقعیت استفاده کند. در شرایط امروز ضروری است که سیاست‌گذاران هرچه سریع‌تر بتوانند با برنامه‌ریزی هدفمند در حوزه اشتغال و سرمایه‌گذاری، بهترین بهره‌برداری را از فرصت قرارگیری در پنجره جمعیتی کشور تأمین کنند. زمانی که نسبت جمعیت خارج از سن کار و فعالیت به جمعیت بالقوه فعال به حداقل می‌رسد، شرایط بسیار مساعد جمعیتی برای رشد بالقوه اقتصادی فراهم می‌شود. این همان مسئله‌ای است که جمعیت‌شناسان با اصطلاح «پنجره جمعیتی» معرفی می‌کنند و در تاریخ جمعیت هر کشور فقط یک بار رخ می‌دهد و چند دهه به طول می‌انجامد.

سیر نزولی نیروی کار در ایران

براساس نتایج یک پژوهش مستقل که اردیبهشت‌ماه امسال در دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه منتشر شد، ایران از سال ۱۳۸۵ در مرحله پنجره جمعیتی قرار گرفته است؛ یعنی در حدود ۷۰ درصد جمعیت در سن کار هستند که فرصت بزرگی برای رشد و توسعه اقتصادی است. در طول سه دهه اخیر، یعنی از ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۵ نسبت جمعیت زیر ۱۵ سال کشور از ۴۵.۵ درصد به ۲۴ درصد کاهش یافته و سهم جمعیت فعال از ۵۱.۵ درصد به ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده است. برمبنای نتایج شبیه‌سازی این پژوهش، میزان مشارکت نیروی کار مردان ۱۵ تا ۶۴ساله از حدود ۷۴.۵ درصد در سال ۹۷ به ۷۳.۵ درصد در سال ۱۴۰۷ خواهد رسید و بدین ترتیب طی یک دهه، یک درصد از مشارکت این دسته از مردان در حوزه کار کاسته خواهد شد. بنابراین در این ۱۰ سال، میزان مشارکت نیروی کار در کل جمعیت ایران از ۴۶.۵ درصد در سال ۱۳۹۷ به ۴۴.۵ درصد در سال ۱۴۰۷ کاهش پیدا خواهد کرد.

تشدید کمبود نیروی کار باتورم

کمبود کارگر در محیط‌های کارگری صنعتی و غیرصنعتی اتفاق قابل توجهی است که نیاز به بررسی اقتصادی و رجوع به انگیزه‌های مالی کارگران دارد. بسیاری از فعالان این حوزه معتقدند برای دستمزد حداقلی تعیین‌شده کارگران از سوی اداره کار، چندان انگیزه‌ای برای ادامه کار توسط کارگران باقی نمی‌گذارد. این روزها و در شرایطی که خط فقر در تهران به حدود ۳۰ میلیون تومان رسیده، دستمزد تعیین‌شده برای کارگران به حدود ۸ تا ۱۰ میلیون می‌رسد. در این میان البته کارفرمایان ممکن است از هرگونه اصلاح به منظور افزایش حقوق کارگران ناراضی شده و در برابر آن مقاومت کنند که البته شرایط عمومی اقتصاد ایران هم مقداری حق را به آنها می‌دهد. در همین حال حسن صادقی، رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری، درباره علت کمبود کارگر در گفت‌وگو با انتخاب گفت: کمبود کارگر ناشی از سیاست‌های اقتصادی دولت‌هاست. وقتی سیاست‌های اقتصادی ما از اقتصاد مولد و تولیدمحور ریل خود را به سمت اقتصاد غیرمولد و دلالی و خدماتی می‌برد، حاصل آن وضعیت فعلی است که نیروی کار با حقوق‌های فعلی تلاشی برای کار در کارخانه نکند. این فعال کارگری گفت: کاری کرده‌اند که حوزه خدمات واسنپ درآمد بالایی ۲۰ میلیون داشته باشد، اما حقوق اداره کار ۸ میلیون است. شخصی در ساوه کارخانه زده بود و نهایتاً ۶۰۰ نفر را توانست جمع کند. شما از ادارات کار بخواهید که به شما بگویند چند درصد فقدان کارگر داریم. ۸ میلیون اتباع بیگانه در ایران هستند و قاجعه‌بار است.

بحران معیشت، جدی‌تر از همیشه

با رشد قیمت اقلام مختلف به نظر می‌رسد که بحران معیشت برای کارگران، جدی‌تر از همیشه است. دهه‌هاست که خرید خانه و خودرو برای طبقه کارگر تبدیل به رؤیا شده است. در تمام این سال‌ها آموزش باکیفیت و درمان مناسب از زنبیل هزینه‌های کارگران کنار گذاشته شده است. دستمزد روزانه یک کارگر حداقل‌بگیر در سال جاری، ۲۳۸ هزار تومان است که با الحاق تمام متعلقات و مزایای مزدی در هر روز به‌رچمت به ۲۵۰ هزار تومان می‌رسد. درحال حاضر تهیه یک سبد کوچک چهارکیلوپی از میوه‌های تابستانی شامل یک کیلو انجیر، یک کیلو آلبوزرد، یک کیلو گیلان و دونهات یک کیلو انگور از ارزان‌ترین نقاط شهر، باید حداقل ۶۶۲ هزار تومان پرداخت که این رقم ۲.۶ برابر دستمزد روزانه این کارگر است. از طرف دیگر هر ایرانی در طول سال به طور متوسط هفت کیلوگرم گوشت قرمز مصرف می‌کند. البته این آمار سال گذشته است و با گرانی‌های اخیر طبیعتاً بازم به صرف نیست. بیشتر کاهش بیشتر سرانه مصرف بشیم- و اگر فرض بگیریم که یک خانواده پنج‌نفره، هرماه روی‌هم‌رفته یک کیلو گوشت قرمز مصرف دارد، سرانه مصرف ماهانه هر فرد این خانواده فقط ۲۰۰ گرم است که سرانه مصرف افراد این خانواده در هر سال، دوکیلو ۴۰۰ گرم است. کاهش محسوس سرانه مصرف فقط محدود به گوشت قرمز نیست و در حوزه لبنیات هم همین اتفاق افتاده است.

افزایش حوادث محیط کارگری

اردیبهشت‌ماه سال جاری، رئیس گروه بررسی صحنه جرم سازمان پزشکی قانونی کشور از جان‌باختن ۲۱۱۵ نفر به دلیل حوادث محیط‌های کاری در سال گذشته خبر داد. علی ضیایی درباره آمار متوفیان ناشی از حوادث محیط‌های کاری در سال ۱۴۰۲ گفت: در مجموع در سال ۲۱۱۵ در حوادث ناشی از کار، ۲۱۱۵ نفر جان خود را از دست داده‌اند که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که آمار تلفات هزارو ۹۰۰ نفر بود، ۱۱.۳ درصد افزایش داشته است. او ادامه داد: از کل تلفات حوادث محیط کار در سال گذشته ۲۰۹۴ نفر مرد و ۲۱ نفر زن بوده‌اند، این درحالی است که تعداد مردان فوت‌شده در حوادث محیط‌های کاری در سال ۱۴۰۱ هزارو ۸۷۰ نفر مرد و تعداد ۳۰ نفر زن بوده است.

اقتصاد غیرمولد و رانتی علیه معیشت کارگران

کارشناسان اقتصادی معتقدند که ریشه بسیاری از مشکلات در ساختار اقتصادی است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که زمانی ۶۳ درصد اقتصاد کشور مولد بود، اما اینک ۳۷ درصد با بخشی کمتر از اقتصاد ایران، مولد است. می‌توان گفت حاصل تمام سیاست‌های دولت‌ها از گذشته تا امروز این شده که اقتصاد مولد به حاشیه رفته است. اقتصاد مولد است که می‌تواند کشور را از بن‌بست خارج کند و رونق تولید و اشتغال پایدار ایجاد کند. بااین‌حال نتیجه سیاست‌های اعمال‌شده از سوی دولت‌ها این شده است که اقتصاد غیرمولد و توزیع رانت در کشور رواج بیشتری پیدا کند.از طرف دیگر نگاهی به بخش‌نامه‌های حقوق از سال ۱۳۵۸ تا ۱۴۰۳ نشان می‌دهد در تمام این سال‌ها با ابداع فرمول و درصدهای مختلف، قدرت خرید سطوح مختلف مزدی به شکل پلکانی ترمیم شده؛ یعنی میزان یا درصد افزایش مزد اسمی کارگران با سابقه یا با تخصص بیشتر همواره کمتر از درصد افزایش حداقل مزد بوده و این شیب منفی همواره وجود داشته است. به این ترتیب کارگران متخصص همیشه با یک شیب منفی و ملایم به سمت حداقل‌بگیران نزدیک شده‌اند و نتیجه این سیاست مزدی چیزی جز تقسیم و کسترش فقر میان کارگران نیست.

آمارهای حوزه مسکن نشان از یک بحران دارد؛ بحرانی که از چند دهه گذشته خیلی خزنده آغاز شده، ادامه پیدا کرده و در طول چند دهه به دلایل زیاد (که بارها و بارها اقتصاددانان درباره آن صحبت کرده‌اند، بخش بزرگی از معضلات زندگی شهروندان ایرانی را رقم زده است، به طوری که حالا محمد چکشیان، معاون وزیر کار دولت سیزدهم، همین چندی پیش تأکید کرده بود که ۷۰ درصد حقوق و دستمزد کارگران و کارمندان در چاه ویل هزینه مسکن، فروبلعیده می‌شود. چاه ویلی که در یک نمونه در همین پایتخت که گرداگرد ما را احاطه کرده است، به قول نایب‌رئیس اتحادیه املاک آن، ۵۱ درصد از جمعیتش، خانه‌به‌دوش هستند و در قامت اجاره‌نشین مجبورند هر سال از این محله به آن محله و از این خانه به آن خانه کوچ کنند. داستان مسکن حالا قصه‌ای پرغصه شده که هر طرفش را روایت کنی تا دلی آرام بگیرد، آه و فغان از طرف دیگرش بلند می‌شود و آب دیده از چشم‌های روابانش فرومی‌غلند...

نگاهی به گذشته

آن‌طور که در منابع آماری کشور ثبت شده است، در میانه دهه ۴۰ شمسی در این کشور، جمعیت شهرنشین حدود ۳۲ درصد کل جمعیت بوده است. در آن زمان ۶۸ درصد جمعیت این مُلک در روستاها زندگی می‌کردند و به همان نسبت تراکم ساختمانی در کشور چندان فشرده نشده بود که قرار باشد تقاضا در شهرها آن‌قدر افزایش پیدا کند که نه عرضه کفاف جمعیت خواهان سربناه را بدهد و نه رویه‌های بازار، مزاحم عرضه همان واحدهای موجود باشد. در آن زمان و حتی چند دهه بعدتر آن‌طور که در خاطرات خانوادگی صاحب این قلم وجود دارد، «بازار کار» بسیار بااهمیت‌تر از اشکال دیگر دارایی بود، زیرا مستندات معاوضه منزلی ۱۵۰متری در خیابان ضد مشهد، با یک سنگه تراکتور، هنوز هم موجود است.

انقلاب که شد و به‌ویژه در دوران جنگ، وضع مسکن به قاعده تمام بازارهای مسکن دیگر نقاط دنیا، در دوره جنگ تغییر کرد. جای دوری نباید رفت. کندوکاو دفتر خاطرات اقتصادی جامعه ایرانی و بازخوانی آن نشان می‌دهد بازار مسکن در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، بازاری معلق بوده است. در آن زمان که بیسم می‌رفت هر آن یک موشک ۱۲متری به یکی از محلات پایتخت اصابت کند، قیمت املاکی در قواره ساختمان‌های کهنه‌ساز و نوساز، به‌هیچ‌عنوان طوری نبود که قرار باشد کوچ اجباری از منطقه‌ای جنگ‌زده و رهاکردن ملک و ساختمان آ‌هی عمیق از دل شهروندان بیرون بکشد! بازخوانی این خاطرات و تحلیل قیمت‌های آن دوره بی‌هیچ تردید نشان خواهد داد بازار مسکن هیچ انگیزه‌ای را برای سرمایه‌گذاری برمنی انگیزخته و هر قدر طلا و دیگر اشیای قیمتی منتقل (قابل حمل) طرفدار داشته، مسکن به‌این‌دلیل که امکان اصابت موشک و با خاک یکسان‌شدنش در آن روزها وجود داشته، نه عرضه‌اش دل بازار را می‌لرزاند و نه تقاضایش موضوع بااهمیتی قلمداد می‌شد. با این حال جنگ که تمام شد و کمی تثبیت سراخ بازار را گرفت، تب سازندگی لای طبقات مختلف بازار رسوخ کرد و روی زمین و ملک خودش را هوار کرد.

روایت تحولات بازار مسکن و تبدیل‌شدن آن از کالایی که باقیمت خاک یکی بود، به کالایی که حالا (هرچند در دوره رکود تورمی) هر مترمربعش کرور کرور طلا می‌خواهد و دلار، از آن قصه‌های تلخی است که معلوم نیست چند منشوی هفتاد سن کاغذ باید برای آن بنویسیم. هرچه در این روایت می‌شوند، علمان اقتصاد به‌جد می‌گویند: از نظر وجود دارد. زیرا وقتی در کتابه‌های اقتصادی دنبال تعاریف باشید، به این برمی‌خورید که: کالای سرمایه‌ای کالایی بادوام است که برای تولید کالاها و خدمات دیگر استفاده می‌شود. کالاهای سرمایه‌ای در کنار زمین و نیروی کار، یکی از سه دسته «کالاهای تولیدکننده» است که به‌عنوان عوامل اصلی تولید شناخته می‌شوند. علمان اقتصاد به‌جد می‌گویند: از نظر علم اقتصاد کالاهای سرمایه‌ای یک دارایی ملموس است که از آن برای تولید دیگر کالاها و خدمات البته در دوره زمانی مشخص استفاده می‌شود. ماشین‌آلات، ابزارها، ساختمان‌ها یا هر نوع تجهیزاتی که درگیر تولید دیگر کالا و خدمات باشد یا برای عرضه آنها به بازار استفاده می‌شوند و محصول نهایی را به پول تبدیل می‌کنند، همگی جزء کالاهای سرمایه‌ای هستند اما معلوم نیست چطور کارشناسان و حتی برخی از



عکس: سهندیانی/شرق

«شرق» از راه ناهموار دولت چهاردهم برای ساماندهی رؤیای خانه‌دارشدن گزارش می‌دهد

بلبشوی مسکن

مدیرعامل شهر جدید پرند در گفت‌وگو با «شرق»: تلاش می‌کنیم مسکن مهر را تحویل دهیم



حمید رضاعظیمی

استادان دانشگاه، یک واحد مسکونی را که عملاً در فرایند تولید و توزیع کالایی دیگر استفاده نمی‌شود، در شمار کالای سرمایه‌ای به حساب می‌آورند.

حال بازار و چاره‌از گذشته

واقعیت این است وضع فعلی داستان مسکن که حالا باید برای خانه‌دارشدن حدود نیم‌قرن صبر کنیم، به‌این‌دلیل بوده است که از یک سو جمعیت شهرنشین در ایران رو به تزاید گذاشته و مطابق آخرین سرشماری به حدود ۷۲ درصد رسیده است و از سوی دیگر دولت‌ها به هر دلیل در روندی خواسته یا ناخواسته به ورطه ناکارآمدی اقتصادی افتاده‌اند. بسیاری از کارشناسان معتقدند وقتی اقتصاد به مرحله‌ای می‌رسد که روزبه‌روز با سیاست‌های نادرست در زمینه مدیریت مالی، دست به در و دیوار می‌خورند و ناتوانی آنها در حل معضلات، بسته آنها را به سوی روش‌های نادرست مانند تأمین کسری بودجه از محل تفاوت نرخ ارز (که مورد ادعای بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی است) و... باز می‌کند، مردم خواسته یا ناخواسته برای فرار از آسیب‌دیدن، به سمت بازارهایی می‌روند که حتی از طرف «سفته‌بازان» فضا به سویی رفته که سودهای آن‌چسانی در این بازارها به وجود آمده است. حالا حضور سفته‌بازان از یک سو و عقب‌افتادن عرضه از تقاضا (آن‌طور که سازندگان مسکن ادعا دارند)، کار بازار مسکن را به کلاف سردرگمی شبیه کرده که هیچ آمیدی برای مدیریت آن به ذهن نمی‌رسد و عجیب اینکه هرچند آمارهای مختلفی از وجود واحدهای خالی از سکنه در این بازار وجود دارد و گزارش‌های مختلفی هم در این زمینه رسانه‌ای شده است اما باز هم تقاضای سرمایه‌گذارانه همچنان در بازار مسکن وجود دارد و حتی در زمانی که هشدارهایی درباره کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری در بازار مسکن گوش‌هایی را کر کرده، باز در ذهن عده‌ای این گزاره به باوری ریشه‌دار تبدیل شده است که «ملک مرد است و صاحبش را زمین نمی‌زند».

آمارها از خانه‌های خالی هرچند متفاوت است اما همین چند ماه پیش ابوالفضل نوروزی که سرپرستی دفتر اقتصاد مسکن را برعهده دارد، گفته بود: شاخص خانه خالی در همه کشورهای دنیا پنج درصد است، اما این رقم در ایران به حدود ۱۰ درصد رسیده یعنی به دو برابر دیگر نقاط دنیا رسیده است. اکنون معادل حدود ۱۰.۲ میلیون خانه خالی در کشور وجود دارد. وضع بازار مسکن آنجا عجیب‌تر به نظر می‌رسد که حتی با وجود چنین آماری حسن محتشم از اعضای هیئت‌مدیره انجمن صنفی کارفرمای انبوه‌سازان مسکن و ساختمان تهران، گفته است: وضعیت ساخت‌وساز براساس صدور پروانه‌های ساختمانی در مقایسه با سال گذشته تا حدودی روند بهتری پیدا کرده است هرچند باید نتیجه صدور پروانه ساخت‌وساز در سال جاری را در سال آینده جست‌وجو کرد.

او این را هم گفته: طبق طرح جامع مسکن که از سوی وزارت راه و شهرسازی تدوین شده است، تا ۱۰ سال آینده باید سالی یک میلیون مسکن در کشور تولید شود تا به نقطه سربه‌سر از لحاظ تولید و تقاضا برسیم. به هر حال سرمایه‌گذاران دوست دارند به نوعی فعالیت کنند که سرمایه آنها زودتر بازگشت سرمایه داشته باشد بنابراین اگرچه حدود چهار سال است مسکن در رکود است اما سابقه تاریخی نشان داده که بهترین و مطمئن‌ترین سرمایه‌گذاری بخش مسکن بوده است و باید به این موضوع هم توجه داشت که در کل کشور ۱.۵ میلیون کمبود مسکن داریم، البته درحال حاضر در تهران به دلیل وجود خانه‌های خالی از سکنه، کمبود مسکن نداریم اما به هر حال این واحدها به دلیل نبود قدرت خرید خالی از سکنه مانده‌اند.

یک نمونه بیخ‌گوش پایتخت

دولت‌های قبل از دولت چهاردهم که اکنون مسکان مدیریت را به دست گرفته، هرکدام شیوه‌ای خاص یا پروژه‌ای



عکس: سهندیانی/شرق

ویژه را در زمینه مدیریت بازار مسکن و حل مشکل مردم در پیش گرفته‌اند. دولت نهم و دهم طرح مسکن مهر را روی میز مدیریت وزارت راه و شهرسازی قرار داد و دولت سیزدهم، طرح نهضت ملی مسکن را، همه این طرح‌ها که در دولت‌های مختلف اجرا شد، قرار بود از میزان فشار سرمایه‌گذارانه در زمینه مسکن بکاهد و آن را به بازاری معمول بدل کند.

محمد سعیدی‌کیا، وزیر مسکن و شهرسازی مسکن مهر، مطابق برنامه‌ای که بر آن تأکید داشت، قرار بود سالانه تعداد یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار واحد مسکونی به مردم واگذار کند اما با موفق‌نبودن او، علی‌نیکزاد جایش را گرفت و بعدها در زمانه نزدیک به تحویل دولت تأکید کرد: از آغاز کار این دولت ساخت چهارمیلیون و ۴۰۰ هزار واحد مسکن مهر شروع شده که نیمی از آن در روستاها بوده و یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار واحد تا خرداد ۹۲ تحویل داده شده و مابقی باید تا پایان دولت دهم تحویل داده شوند. اینها رؤیاهایی بوده که هنوز محقق نشده است. در یک نمونه که در پرند و بیخ گوش پایتخت رخ داده است، تعاونی مسکنی وجود دارد که هنوز بعد از گذشت حدود ۱۵ سال، واحدهای مسکونی آن به مالکان تحویل داده نشده است.

آرش صیادی که مدیرعامل شهر جدید پرند است، درباره چرایی این موضوع به «شرق» گفته است: این پروژه درگیر موضوعات حقوقی شده است و به‌این‌دلیل که در قالب تعاونی آغاز به کار کرده، بین ارکان تعاونی و اعضا مشکلاتی وجود داشته و بعد هم که تعاونی منحل شده است، مشکل بین اعضا و پیمانکار باقی مانده است.

صیادی تأکید دارد: پروژه آشیان‌کستر پرند که حالا به پروژه شهید سلیمانی تغییر نام داده است، از ابتدا و در زمانی که با نام تاکسی بیسیم تهران کار خود را آغاز کرده، قرار داشته تا ۷۲۰ واحد مسکونی بسازد که بنا به مشکلات به‌وجودآمده بخشی از سرمایه مردم در این پروژه از بین رفته است و ارکان هیئت‌مدیره تعاونی در سال‌هایی که آشیان‌کستر پرند نام داشته، بخشی از پول‌ها را در پروژه خرج کرده است. اکنون پیمانکار این ادعا را دارد که ۱۹۰ میلیارد تومان در این پروژه هزینه کرده است و مالکان هم ادعا دارند در سال‌های خیلی پیش‌تر بدهی‌های خود را تسویه کرده‌اند.

مدیرعامل شرکت عمران شهر جدید پرند، افزود: اکنون ۳۵۰ واحد از این مجموعه تقریباً آماده تحویل به مالکان است و اگر هر دو طرف همکاری کنند، خیلی زود این اتفاق خواهد افتاد. به هر حال همه می‌دانیم وقتی پروژه‌ای وارد بحث‌های حقوقی می‌شود، مشکلاتی گریبان آن را می‌گیرد که حل آن از عهده موضوعات و تدابیر مدیریتی برنی‌آید.

به گفته صیادی تعداد دیگری از تعاونی‌های موجود در این مشکلات مشابهی دارند که این مجموعه درصدد حل این معضلات برآمده است. او گفت: درباره پروژه شهید سلیمانی نیز ما سعی کردیم با تبدیل آن به مسکن ملی، سقف تسهیلات را افزایش دهیم. متأسفانه آنجا هم تعدادی از اعضا، به‌این‌دلیل که ادعاهایی دارند، نمی‌توان موضوع را به این شوه مدیریت کرد. او تأکید کرد بانک به پروژه تسهیلات می‌دهد و ممکن اینکه به تک‌تک افراد تسهیلات جداگانه تعلق بگیرد، وجود ندارد.

پیش‌تر سیداحمد خادمیان، مدیرکل دفتر پایش طرح‌های مسکن، گفته بود: بیش از ۱۲۵ هزار واحد مسکن مهر در مرحله ساخت باقی مانده است. در ابتدای دولت سیزدهم حدود ۲۵۰ هزار واحد باقی‌مانده مسکن مهر فروش اقساطی نشده، برای تکمیل به این دولت محول شد که اکنون حدود نیمی از آنها تکمیل به تحویل شده است. صیادی به «شرق» گفت که هزارو ۳۶۹ واحد از آنچه آقای خادمیان گفته است، سهم شهر جدید پرند است که تلاش می‌کنیم هرچه زودتر این واحدها را تحویل دهیم.

به هر روی وضع بازار مسکن این‌گونه است که هرچند انگیزه سرمایه‌گذاری از آن رخت برسته و سرمایه‌گذاران دل و دماغی برای حضور چندانی در آن ندارند اما حدود شش میلیون خانه‌اولی در بازار وجود دارد که همچنان چشم امید به بهبود بازار دارند و به این امید نشسته‌اند که دولت چهاردهم دری به روی آنها باز کند. همچنین ۵۱ درصد مستاجران پایتخت‌نشین هم این امید را دارند، به‌همین‌دلیل دولت چهاردهم باید به شیوه‌ای این بلبشوی را سامان دهد، چگونه؟ کارشناسان باید راه‌حل بدهند.

روزنه

یک نامه یک مسئله

شرق: یک کارشناس حقوقی گفت: اگر در قرارداد موقت، مدت قرارداد منقضی شود و قرارداد به هیچ شیوه‌ای تمدید نشود، باید مطالبات مانده مرخصی کارگر را طبق ماده ۷۱ قانون کار به کارگر پرداخت کرد.

آرمین خوشوقتی، کارشناس ارشد حقوق و روابط کار، در گفت‌وگو با ایلنا، در ارتباط با نامه‌ای که اخیراً در فضای مجازی با سربرگ وزارت کار درباره نحوه بازخريد مانده مرخصی کارگران منتشر شده است، گفت: ماده ۷۱ قانون کار می‌گوید «مطالبات مربوط به مدت مرخصی استحقاقی کارگر در صورت فسخ یا خاتمه قرارداد کار به او پرداخت می‌شود و در صورت فوت کارگر به ورثه او پرداخت خواهد شد». درواقع اگر کارگری مرخصی باقی‌مانده داشته باشد و از مرخصی خود به صورت کلی یا جزئی در زمان قرارداد کار استفاده نکرده باشد، این مانده مرخصی در صورت فسخ یا خاتمه قرارداد کارگر به او پرداخت می‌شود.

او در ادامه به تعریف «خاتمه قرارداد کار» در قانون کار پرداخت: در ماده ۲۱ قانون کار، برای خاتمه قرارداد کار شرایطی تعریف شده: فوت کارگر، بازنشستگی کارگر، ازکارافتادی کلی کارگر، پایان کار در مورد قراردادهای کار معین، استعفای کارگر و البته چند مورد استثنا هم در سال ۹۴ به این ماده قانونی افزوده شده و البته یک مورد که در بند «دال» این ماده آمده و می‌گوید «در قراردادهای کار با مدت موقت، خاتمه قرارداد به شرط آن است که قرارداد منقضی شود و ضمناً به صورت ضمنی یا صریح تجدید نشود».

خوشوقتی افزود: بنابراین اگر درباره خاتمه قرارداد کار در قراردادهای موقت صحبت می‌کنیم، باید یادمان باشد که بند «دال» از ماده ۲۱ قانون کار، خاتمه قراردادهای موقت را در صورتی تأیید می‌کند که قرارداد مدتش منقضی شده باشد و ضمناً به صورت صریح یا ضمنی هم تجدید نشده باشد. پس این‌طور نتیجه می‌گیریم که اگر در قرارداد موقت، مدت قرارداد منقضی بشود و قرارداد به هیچ شیوه‌ای تمدید نشود، باید مطالبات مانده مرخصی کارگر را طبق ماده ۷۱ قانون کار به کارگر پرداخت کرد. در این شرایط، کارفرما باید مانده مرخصی کارگر را به او پرداخت کند. اما اگر قرارداد کار کارگر موقت باشد و بعد از انقضای مدت، به صورت صریح یا ضمنی تجدید شود، تکلیف پرداخت مطالبات مانده مرخصی کارگر چه می‌شود؟ این کارشناس حقوقی در پاسخ گفت: در این شرایط، مفهوم مخالف بند «دال» از ماده ۲۱، قانون کار می‌گوید که این قرارداد هنوز خاتمه نیافته است و بنابراین در این شرایط، پرداخت مطالبات مانده مرخصی کارگر مجاز نیست و البته اگر پرداخت شود، فقط علی‌الحساب است و در حکم پرداخت قطعی نیست. به گفته خوشوقتی، ماده ۲۱ قانون کار درباره شرایط خاتمه قرارداد کار کارگر، کاملاً صراحت دارد و به روشنی شرایط خاتمه قرارداد را مشخص کرده است. او اضافه کرد: در این ماده قانونی، چند طریق برای خاتمه قرارداد کار عنوان شده و اگر یکی از این راه‌ها طی نشده باشد، یعنی کارگر فوت نکرده باشد، استعفا نداده باشد، ازکارافتاده نباشد یا قرارداد موقتش بدون تمدید منقضی نشده باشد، مشمول خاتمه قرارداد کار نمی‌شود و مشمول پرداخت مطالبات مانده مرخصی نیز نیست و تأکید می‌کنم اگر قبل از خاتمه قرارداد کار، پرداختی در مورد مانده مرخصی کارگر صورت بگیرد، فقط در حکم پرداخت علی‌الحساب است و قطعیت ندارد. این کارشناس حقوقی تأکید کرد:

این موضوع بسیار مهم است؛ چون اخیراً نامه‌ای روی سربرگ وزارت کار در فضای مجازی دست به دست می‌چرخد که در آن اشاره شده در پایان سال هم می‌توان مطالبات مانده مرخصی را به کارگر پرداخت کرد. اینجا باید بگوییم در پایان سال می‌شود مطالبات مرخصی کارگر را پرداخت کرد اما این پرداخت قطعی نیست.